



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۱/۰۱

استاد اسحاق نگارگر

سال رفت و من همان غافل ز پشت کارخویش
سور خیزاند مگرزین خواب خرگوشم به زور
(مرحوم استاد بیتاب)

متاع کاروان خوابیده را دزدان می برند!

ملتهای بیدارجهان برای همه کارهای خود قوانین؛ مقررات و پرنسیپ هابه وجود آورده اند و بر اساس همان قوانین؛ مقررات و پرنسیپ ها مشکلات خود راحل می کنند و برای هرعضله پاسخ های مبتنی برپرنسیپ دارند و گرفتار قضاوت های رنگارنگ و متضاد نمی شوند ولی ملتهای که در قلمرو خردگرایی و پرنسیپ پا نگذاشته اند در همه چیز احساسات و برداشت های شخصی را معیار قضاوت میگیرند و در نتیجه با احساسات خود و دیگران بازی می کنند و از راه تحریک احساسات قومی؛ زبانی؛ مذهبی و سیاسی می خواهند خر مقصود های شخصی را برمیخ ثروت و مکننت ببندند. وفاداری و صداقت بخزند و بفروشند. اینان که بدبختانه نمیدانند و یا میدانند ولی قلباً بدان تمکین نمی کنند آری نمیدانند که قدرت امانت مردم است و مردم باید با اراده آزاد این امانت را برای یک دوره معین به یک یا چند شخص بسپارد و یا از آنان بازگیرد. اینان بانیروی تقلب و فریب بدون اینکه استحقاق داشته باشند امانت مردم را به طور غیرقانونی غصب میکنند و براریکه قدرت به اصطلاح چارسیره می اندازند. به خاطر قدرت و به فرمان جاه طلبی های خود گاه با همدیگر از درسازش و گاهی نیز از در مخالفت وارد میشوند که نه در سازش شان منفعت مردم نهفته است و نه در مخالفت شان اما همیشه از جهل عوام استفاده سؤ میکنند. سؤ اینان در جاهل ماندن مردم است و به همین دلیل در رشد و انکشاف معارف که ستون فقرات جامعه است توجه نمی کنند بلکه میخواهند مشتی «مُرده بادگویی» و «زنده بادگویی» تربیت کنند تا آن حامیان چشم بسته هرگز ندانند که نه با مُرده باد گفتن های شان یک لحظه از عمر کس کاسته میشود و نه بازنده باد گفتهای شان یک لحظه بر عمر کس افزوده میشود. اینان چون از صغری و کُبرای تفکر انتقادی چیزی نمیدانند همه چیز را بدون استفاده از نیروی استدلال می پذیرند. به طور مثال اگر یکی از ارباب قدرت ادعا کرد که پذیرش استعفای من از جانب رئیس جمهور که مقامش محصول تقلب در انتخابات است قانونی نمی باشد دیگر از او نمی پرسند که چه وقت فهمید که رئیس جمهور و حکومت زیر اثرش قانونی نیست و اگر آن مقام قانونی نبود این یکی به چه دلیل استعفای خود را به مقامی که نه قانونی بود و نه هم صلاحیت پذیرش داشت تقدیم کرد که اگر این پرسش را مطرح نمایند از زد و خورد و کشمکش درونی ارباب قدرت آگاه می شوند و میدانند که تا وقتی با سلاح تفکر انتقادی مجهز نباشند همان «زنده بادگویی» این و «مُرده بادگویی» آن باقی می مانند و رندان با سواستفاده از احساسات شان خرمُراد خود را به منزل مقصود میرسانند. مگر همین اُردوی ناآگاه «مُرده بادگویان» و «زنده بادگویان» نبودند که خرمُراد بسیاری ها را به منزل مقصود رساندند و بعد مُشت ندامت و پشیمانی برفرق کوفتند. دور نمیروم مگر همین دوسال پیش نبود که جناب رئیس جمهور و رئیس اجرائیه «قهرمان» برخی بودند و همان والی که امروز برای یک جلالت مآب مُشت تهدید تکان میدهد و میخواهد با آن «مُشت قهرمان» فرق و دندان او را بشکند دیروز به خاطر به قدرت رسانیدن او ساده لوحانه گویی نمیکرد؟ اینان که در عرصه سیاست داخلی بدین سادگی فریب میخورند آیا میتوانند از منافع شما در برابر سازمان های کارگشته آ.سی. ای؛ کی.جی.بی؛ ای.اس. آی و سپاه پاسداران ایران دفاع کنند؟ اینان اگر واقعاً باشند تنها قهرمانان ساده لوحی و فریب خوردن استند که زنده باد گویی های خواب بُردگان آنان را «قهرمانان بی بدیل» ساخته است! مگر برخی از این «قهرمانان» را ندیدید که رفتند و به دیار خفتگان ابدی پیوستند ولی در نبود شان آب از آب تکان نخورد. حضرت ابراهیم وقتی با اراده محکم به سوی بُت خانه نمود میزود و بُتهای نمودیان را میشکند از پدر خود می پرسد: ماهذه تمانیل اللتی انتم له عاکفون (قرآن کریم سوره ابراهیم) این تمثال ها چیست که شما برای شان سجده میکنید؟ آری بدبختانه

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

قهرمان پرستی با بت پرستی هیچ تفاوت ندارد. مگر قهرمان پرستی نبود که انسان های عادی همانند نمرود؛ فرعون؛ ستالین؛ مائو و دیگران را به مقام خدایی رساند؟ مگر قهرمان پرستی نبود که یک موجود بیچاره را که تا گلو قرضدار می فروش کنار خانه خود بود به مقام «رهبر نابغه و خلاق» بالا بُرد؟ آری امروز انسان نمیتواند قهرمانان خود را به مقام خدایی برساند ولی به مقام فرعون و نمرود بدون شک رسانده است. تا وقتی در انسان انگیزه بت پرستی است انسان از خود و از اژدهای درون خود نجات نمی یابد و به آزادی نمیرسد و بنابر این خود را میپرستد و چون خود را می پرستد برای تسکین همین انگیزه پرستش است که برای خود نیز بت می تراشد. اقبال بسیار زیبا میگوید:

تراشیدم صنم چون صورتِ خویش به شکلِ خود خدارا نقش بستم
مرا از خود برون رفتن مُحالست به هر رنگی که هستم خودپرستم

آری انسان بت را نیز به صورتِ خود می تراشد و این خود پرستی است نه خدا پرستی که انسان خدا را نیز همانند خود نعوذ بالله مجسمه نخوت؛ خشونت و خود پرستی میسازد و می رود و در عبادتگاه ها و مراکز فرهنگی بم می گذارد تا خدا را نه بلکه به نام خدا نفس شریر و اماره بالسوء خود یا همان اژدهای درون خود را پرستش کند و چنانکه ضحاک روزدوکس رامیگشت تا مغز سر شان را برای مارهای که بر هردوشانه اش رسته بودند بدهد این نیز برای اژدهای درون خود انسان قربانی میکند و آن اژدها را با خون هموعان خود مست میسازد. فردا ورق گردان زمان برگی دیگر بر کتاب زندگی می افزاید و سال نو فرا می رسد گرچه سال عیسوی برای آن هموطنان ما که در کشور استند سال نو نیست اما آن افغان های که در بیرون از افغانستان استند ناگزیر و رود سال نو را برای همدیگر و همکاران خود تبریک میگویند ولی سال هاست که از لب های من لفظ تبریک گریخته است. من در این شب سال نوبه آن مادران؛ خواهان؛ همسران و دخترانی فکرمیکنم وضجه های دردناک شان را می شنوم که در حادثه انتحاری مرکز تیبیان عزیزان خود را از دست داده اند تا خون شان مارهای روی شانه های ضحاکان روزگار مارا تسکین بدهد. هرکس برای سال نو آرزوی خاص خود را دارد و من هم که دل دارم ناگزیر آرزو دارم. آرزوی من این است که همین مردم- مردم خود را میگویم که با همه ساده لوحی دوست شان دارم از بلای قهرمان پرستی نجات یابند و بدانند که متاع کاروان خواب بُرده را دزدان می برند. اگر باری بیدار شوند و دور و بر خود را با دقت تماشا کنند میدانند که قهرمانان شان بیچاره تر از خود شان استند زیرا که قهرمانان اسیر جاه طلبی های خود استند و برای جاه و مقام است که برضد همدیگر توطئه و تفتین میکنند و قناعت فقیرانه مردم را ندارند. مردم به توحید اعتقاد دارند و میدانند که توحید پرستش خدایان کاذب را حرام کرده است و اما توحید چیست؟ آنرا شاعری بسیار زیباتر از من بیان میکند که:

در کون و مکان نیست عیان جزیک نور ظاهر شده آن نور به انواع ظهور
حق نور و تنوع ظهورش عالم توحید همین است و دگر و هم و غرور

پایان

۳۱ دسمبر ۲۰۱۷ نگارگر برمنگهم